

قرآن کریم در چه زمانی و توسط چه کسی جمع آوری شده است ؟

سؤال کننده گان : فتاح مهری و سید محسن نصرالهی

پاسخ :

در مورد جمع قرآن و اینکه در چه زمانی جمع آوری شده و چه کسی به این کار دستور داد در بین علما اختلاف بوده و چند نظر در مورد آن وجود دارد :

- 1- در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جمع آوری شده است .
- 2- در زمان ابوبکر جمع آوری شده است.
- 3- در زمان عمر بن خطاب جمع آوری شده است .
- 4- شروع جمع آوری آن در زمان ابو بکر بوده و اتمام آن در زمان عمر بوده است .
- 5- در زمان عثمان جمع آوری شده است .

عده ای از متاخرین علما که قول اول را قبول کرده اند :

نظر درست همان نظر اول است که بیشتر علما نیز همان نظر را قبول کرده اند ؛ از ایشان می توان علمای ذیل اشاره کرد :

1- آیت الله خویی رحمه الله ؛ که در این زمینه و در رد سیر اقوال بسیار تلاش کرده اند و آن ها را مخالف با کتاب و سنت و عقل می دانند

تفسیر البیان : ص 162

2- علامه رافعی ؛ که می گوید :

وللنبی (صلی الله علیه وآله) صحابه كانوا یکتبون القرآن إذا نزل ، إما بأمره أو من عند أنفسهم تاما وناقصا . وأما

الذین جمعوا القرآن بتمامه بالاتفاق فهم فمسه .

إعجاز القرآن : ص 36 .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) صحابه ای داشتند که وقتی قرآن نازل می شد آن را می نوشتند و این کار را یا به

دستور رسول خدا و یا از جانب فوَدشان و به صورت ناقص یا کامل انجام داده بودند ؛ اما کسانی که قرآن را به طور

کامل جمع آوری کرده اند پنج نفرند .

و سپس ایشان را نام می برد .

3- شیخ مناع قطان ؛ وی می گوید :

قد عرفنا أن القرآن كان مكتوباً من قبل، في عهد النبي (صلى الله عليه وآله) ولكنه كان مفرقاً في الرقاع والأكتاف والعسيب ، فأمر أبو بكر بجمعه في مصحف واحد - إلى أن قال : - فكان أبو بكر أول من جمع القرآن بهذه الصفة في مصحف .
مباحث في علوم القرآن لمناع القطان : ص 74 .

دانستیم که قرآن در همان زمان رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) نوشته شده است ولی به صورت جدا جدا و در کاغذ ها و استخوان ها و پوست درخت فرما بود ؛ پس ابو بکر دستور داد که همه آنها را در یک کتاب بنویسند تا اینکه می گوید : ابو بکر اولین کسی است که این چنین قرآن را در یک کتاب جمع آوری کرده است .

کلام وی به خوبی نشان می دهد که قرآن های متعددی موجود بوده است ولی قرآن وی بر روی ورقه و به صورت کتاب های کنونی بوده است ؛ و این کلام مخالف کلام کسانی است که می گویند او قرآن را از عده ای از صحابه که قرآن را حفظ کرده بودند - با شهادت دادن دو شاهد - جمع آوری کرد .

4- زرقانی عقیده دارد که جمع آوردن قرآن از اموری نیست که در زمان رسول خدا انجام نشده باشد و بعد از ایشان صحابه آن را از خود ابداع کرده باشند ؛ بلکه در این کار از همان قواعد و دستوراتی استفاده شده بود که رسول خدا در هنگام نزول قرآن و نیز در هنگام نوشتن آن آیات تا زمان رحلت ایشان ، آن قواعد را بیان فرموده بودند ؛ سپس می گوید :

قال الإمام أبو عبد الله المصنوع في كتاب فهم السنن ما نصه : كتابه القرآن ليست بمحدثه ، فإنه (صلى الله عليه وآله) كان يأمر بكتابتها ، ولكنه كان مفرقاً في الرقاع والأكتاف والعسيب ، فإنها أمر المديق بنسفها من مكان إلى مكان مجتمعاً ، وكان ذلك بمنزلة أوراق وجدت في بيت رسول الله (صلى الله عليه وآله) فيها القرآن منتشرة ، فجمعها جامع وربطها بفيط ، متى لا يضيع منه شيء .

مناهل العرفان : ج 1 ص 242 .

امام ابو عبد الله مصنوع در کتاب فهم السنن " می گوید : نوشتن قرآن کار جدیدی نبود ؛ پس بدرستی که خود حضرت دستور به نوشتن آن داده بودند ؛ ولی این نوشته ها جدا جدا و در کاغذ ها و استخوان ها و پوست درخت فرما بود ؛ و همین ها بود که ابو بکر دستور به رونویسی از آنها از یک جا به جای دیگر به صورت یکپارچه کرد ؛ و آن ها به صورت ورقه های جدا جدایی بود که در خانه رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) بود و قرآن در آن ها تقسیم شده بود ؛ اما ابو بکر آن ها را در یک جا گرد آورده و آن را با نخ به هم متصل سافت تا اینکه چیزی از آن گم نشود .

این ها متن کلام عده ای از متاخرین بود که نظر اول را قبول کرده بودند .

عده ای از متقدمین علما که قول اول را قبول کرده اند :

اما متقدمین و علمای دوره های اولیه ، از ایشان می توان به علمای ذیل اشاره نمود :

سید مرتضی

1. سید مرتضی علم الهدی ؛ طبق آنچه مرحوم طبرسی از ایشان نقل کرده است ؛ ایشان می فرماید :

إن العلم بصمة نقل القرآن كالعلم بالبلدان والمواد الكبار مما توفرت الدواعی علی نقله ... إن القرآن كان علی عهد رسول الله (صلى الله علیه وآله) مجموعا مؤلفا علی ما هو علیه الآن ... أن جماعة من الصحابة مثل عبد الله بن مسعود وأبی بن كعب وغيرهما فتموا القرآن علی النبی (صلى الله علیه وآله) عدة فتحات ، وهو يدل بأدنی تأمل علی أنه كان مجموعا مرتبا غیر منشود ولا ميثوث .

تفسیر مجمع البیان : ج 1 ص 15 الفن الخامس .

به درستی که علم به درست بودن قرآن ، مانند علم به شهرها و مادته های بزرگی است که غرض و نیت برای نقل آن زیاد است ؛ ... قرآن در زمان رسول خدا به صورت جمع آوری شده و تالیف شده مانند الان بوده است ؛ ... عده ای از صحابه مانند عبد الله بن مسعود و ابی بن کعب و غیر آن دو قرآن را به طور کامل در زمان رسول خدا چندین بار فتم کرده بودند ؛ و این مطلب با کوچکترین توجیهی دلالت می کند که قرآن گرد آوری شده و به ترتیب بوده است و اینطور نبوده که بفاهند به دنبال جزء جزء آن بگردند و پراکنده نیز نبوده است .

سیوطی

2. سیوطی از علمای بزرگ اهل سنت می نویسد :

الإجماع والنصوص علی أن ترتیب الآیات توقیفی لا شبهة فی ذلك . أما الإجماع فنقله غیر واهد منهم الزركشی فی البرهان وأبو جعفر بن زبیر فی مناسباته وعبارته : ترتیب الآیات فی سورها واقع بتوقیفه (صلى الله علیه وآله) وأمره من غیر خلاف فی هذا بین المسلمین ... وأما النصوص فمنها مدیث زید السابق : كنا عند النبی (صلى الله علیه وآله) نؤلف القرآن من الرقاع .

الإتقان : ج 1 ص 62 .

اجماع و روایات وجود دارد که ترتیب آیات قرآن توقیفی است (تعیین آن باید از سوی پیامبر اکرم باشد) و این

قضیه قطعی است و شکی در آن نیست ؛ اما اجماع را عده ای زیادی از علماء مانند "زرکشی" در "البرهان"

و "ابو جعفر بن زبیر" در "المناسبات" نقل کرده اند که عبارت وی چنین است :

ترتیب آیات و سوره ها طبق دستور مضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) صورت گرفته است و در این امر هیچ

فلافی در بین مسلمانان نیست ؛ ...

اما روایات از آن ها می توان به روایت زید اشاره کرد که می گوید: نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم

بودیم و قرآن را در کاغذ هایی جمع آوری می نمودیم .

این عبارت به خوبی نشان می دهد که جمع آوری و ترتیب آیات در سوره ها به دستور خود حضرت (صلی الله علیه وآله) بوده است ؛

همانطور که اجماع نیز بر این مطلب اقامه شده است .

قاضی ابو بکر:

3 . سیوطی در الاتقان کلام قاضی ابو بکر در الانتصار را نقل می کند که می گوید :

الذی نذهب إليه أن جمع القرآن الذی أنزله الله وأمر بإثبات رسمه ولم ينسخه ولا رفع تلاوته بعد نزوله هذا بين

الدفتين . وأن ترتيبه ونظمه ثابت على ما نظمه الله تعالى ورتبه عليه رسوله من آي السور.

الإتقان: ج 1 ص 63 .

آن چیزی که ما آن را قبول داریم آن است که کسی قرآن را جمع آوری کرده است که خدا قرآن را بر نازل کرده است و

ایشان دستور به نوشتن آن نموده اما با دست خود آن را ننوشتند و بعد از آنکه آنچه بین دو جلد است (متن قرآن)

کامل شد ، چیزی از آن از دست نرفت ؛ و نیز ترتیب و نظم آن بر همان نظمی است که خداوند آن را قرار داده است و

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آن را به صورت آیه های سوره ها مرتب نموده اند .

بغوی

5. سیوطی کلام او را در کتاب شرح السنه نقل می کند که گفته است :

الصمابه رضي الله عنهم جمعوا بين الدفتين القرآن الذی أنزله الله على رسوله من غير أن يكونوا زادوا أو نقصوا ، إنتهى .

الإتقان: ج 1 ص 63 .

صمابه رضي الله عنهم قرآن را که خداوند بر رسولش نازل فرمود بین دو جلد جمع آوری نموده بدون آن که در آن

و اگر بخواهیم تمام کسانی را که این نظر را قبول کرده اند ذکر بنماییم از مجال این مقال خارج است ؛ زیرا عده ایشان بسیار زیاد است .

مقصود از جمع قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چیست ؟

آیا معنی این قول آن است که تمامی قرآن در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به صورت یک کتاب در آمده بود؟
خیر ؛ زیرا مهم و آنچه سبب دفع بسیاری از شبهات از قرآن می شود آن است که حضرت دستور به جمع قرآن داده باشند ؛ حتی اگر این جمع آوری در ضمن کاغذ های پراکنده باشد اما به صورتی که تحریف و یا نقصان و گم شدن در مورد آن ها احتمال نداشته باشد ؛ و بتواند مرجعی برای تمام نسخه هایی باشد که از روی آن نوشته خواهد شد . اما اگر چنین نگوییم معنای کلام ما آن خواهد شد که مردم در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) قرآنی به عنوان مرجع نداشته اند .

نتیجه عقیده به جمع آوری قرآن در زمان ابو بکر :

اگر بخواهیم کلام کسانی را که می گویند زید بن ثابت ، قرآن را - از سینه های مردمان و در زمان ابو بکر و به امر او و به شهادت دو شاهد - جمع آوری کرده است بپذیریم باید فاتحه قرآن را بخوانیم ؛ زیرا معنی این کلام آن است که برخی آیات قرآن موجود در دست ما از طریق خبر واحد (نقل یک نفر) به دست ما رسیده است ؛ با اینکه همه می دانند که باید قرآن از طریق خبر متواتر باید رسیده باشد هیچ کس در این مطلب شک ندارد که قرآن به صورت متواتر به ما رسیده و ارتباط بین ما و رسول خدا به صورت متواتر صورت گرفته است ؛ و در این مطلب هیچ شکی نیست .

و نمی دانیم علت پافشاری عده ای بر این نظر چیست ؟ که البته بعید نیست علت آن تعصب برای تراشیدن فضیلت هایی برای عده ای خاص باشد ؛ هرچند به ضرر اسلام و عقاید مسلمانان تمام شود .

دلیل ها بر جمع آوری قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم :

1- عقل :

عقل یکی از ادله ایست که دلالت دارد بر اینکه قرآن مجید در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) جمع آوری شده است و سایر اقوال صحیح نمی باشد ؛ آیا معقول است که رسول خدا که آنقدر در نگهداری و فهم دقیق آیات کوشا بودند به حدی که قبل از نزول برخی آیات خود را به سختی آماده دریافت آن می نمودند و لذا خداوند آیه ذیل را نازل فرمود :

(لَا تُمَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ، إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ)

سوره قیامت آیات 16 و 17 .

زبان‌ت را به خاطر عجله برای خواندن آن (قرآن) مرتکب مده ؛ چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست .

و کسی که می‌داند که قرآن به زودی محور فرهنگ اسلامی تا روز قیامت خواهد شد ، چگونه می‌توان تصور کرد که او قرآن را به صورت پراکنده و تنها به صورت حفظ شده در سینه برخی از افراد ، رها کند؟

2- حدیث ثقلین :

مجموعه روایات معروف به "ثقلین" نزد تمامی مسلمانان معروف و مشهور است ؛ در این روایات رسول خدا فرماید من نزد شما دو شیء با ارزش باقی گذاشتم 1- کتاب خدا 2- عترت من یعنی اهل بیتم .

از روایان این روایت می‌توان به علمای ذیل اشاره کرد

الترمذی در سنن : ج 5 باب مناقب اهل بیت النبی (ص)

أحمد در مسند : ج 3 ص 14 و 17 و 26 و 59

حاکم در مستدرک : ج 3 ص 109 با چند سند و می‌گوید که این روایات طبق نظر بخاری و مسلم صحیح می‌باشند . ذهبی نیز در تلخیص خویش آن را نقل کرده و اشکالی به آن نگرفته است .

علامه مجلسی در بحار الأنوار : ج 3 ص 106 باب فضائل اهل البيت (علیهم السلام) با سند های بسیار

فاضل و شنوی سند های روایت ثقلین را در یک رساله مخصوص جمع آوری نموده است که دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه قاهره آن را نشر داده است .

و طبق آنچه که از عرف عرب به دست می‌آید ، کتاب به نوشته ای گفته می‌شود که خصوصیت معینی داشته باشد ؛ پس بر آنچه مردم در سینه های خود حفظ داشتند کتاب گفته نمی‌شود ؛ اما رسول خدا در روایت خویش به چیزی اشاره می‌کنند که می‌توان به آن گفت که این کتابی است که برای امتش باقی گذارده است ؛ همانطور که به اشعاری که مردم در سینه های خود حفظ می‌کنند نمی‌گویند که این کتاب شعر است ؛ بلکه می‌گویند این اشعار فلانی است و حتی کلمه دیوان هم به آن گفته نمی‌شود ؛ و لازمه این روایت ، مکتوب بودن تمام قرآن در زمان ابلاغ این روایت بوده است .

برخی از محققین در این زمینه می‌فرمایند :

إن لفظ الكتاب لا يطلق متى على مکتوبات متفرقة فی اللغاف والعسب والأکتاف إلا على نمو المجاز والعناية ، فإن

لفظ الكتاب ظاهر فیما كان له وجود وامد.

هر شب می فوادم ؛ پس این فبر به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم رسید ؛ پس فرمودند : آن را در هر ماه

بفوان ... و اصل این روایت در صمیع (بفاری آمده است) .

حاکم نیشابوری از زید بن ثابت روایت می کند که گفت :

كنا عند رسول الله (ص) نؤلف القرآن من الرقاع ،

نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بودیم و قرآن را از روی تکه پارچه ها جمع آوری می کردیم .

سپس گفته است :

هذا مدیث صمیع علی شرط الشیخین ولم یفرجاه .

این روایت طبق نظر بفاری و مسلم صمیع است ولی آن را (در کتاب های فویش) نیاورده اند .

المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 611. مسند أحمد، ج 5، ص 185، صحیح الترمذی، ج 5، ص 390.

این دلیل واضحی است بر اینکه قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جمع آوری شده است .

سیوطی نیز روایات بسیاری را نقل می کند که بر این مطلب دلالت دارد که قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جمع

آوری شده است . در صورت تمایل می توانید به آدرس ذیل مراجعه نمایید :

الإتقان : ج 1 ص 62 و 63 .

علمایی که نظر اول را قبول دارند :

در این زمینه علمای بسیاری از متقدمین و متاخرین نظر به صحت قول اول داشته اند که در ابتدا کلمات ایشان را ذکر نمودیم و در این

قسمت تنها نام ایشان را ذکر می نمایم :

سید مرتضی علم الهدی

سیوطی

قاضی أبو بکر در انتصار

بغوی

آیت الله خوئی

علّامه رافعی

مناع قطان

زرقانی

روایاتی که با جمع قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله معارضه دارند :

وقتی که با روایات صحیح و عقل ثابت شد که قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جمع آوری شده است ؛ پس باید روایاتی را که با این مطلب معارضه دارند ، با این روایت جمع نمود ؛ این روایات چند دسته اند :

- 1 - روایاتی که دلالت دارند زید قرآن را در زمان ابوبکر جمع آوری نموده است .
- 2 - روایاتی که دلالت دارند که قرآن در زمان عمر جمع آوری شده است .
- 3 - روایاتی که دلالت دارند قرآن در زمان عثمان جمع آوری شده است .
- 4 - روایاتی که دلالت دارند امیر مومنان علی علیه السلام بلافاصله بعد از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم قرآن را جمع آوری نموده اند .

در کتاب سلیم بن قیس از سلمان (رضی الله عنه) روایت شده است که :

أَنْ عَلِيًّا (عَلِيهِ السَّلَامُ) بَعْدَ وِفَاةِ النَّبِيِّ (ص) لَزِمَ بَيْتَهُ وَأَقْبَلَ عَلَى الْقُرْآنِ يُوَلِّفُهُ وَيَجْمَعُهُ ، فَلَمْ يَفْرَجْ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى

جَمَعَهُ ، وَكَانَ فِي الصَّمْفِ وَالشُّطَاظِ وَالْأَسْيَارِ وَالرِّقَاعِ - إِلَى أَنْ قَالَ : - فَيَجْمَعُهُ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ وَفَتَمَّهُ .

کتاب سلیم بن قیس : ص 65 .

علی علیه السلام بعد از وفات رسول خدا فدا خانه نشین شده به قرآن رو آورد و آن را جمع آوری نمود ؛ پس از خانه بیرون

نیامد تا آنکه آن را جمع کرد ؛ و قرآن در کاغذ ها و پوب ها و پوست و پارچه بود ؛ پس همه را در یک پارچه جمع آوری

کرده و بر آن مهر زد .

ما در این چهار گونه روایت دلیلی بر خلاف نظر اول نداریم و یک یک به توضیح آن ها می پردازیم :

مقصود از جمع قرآن در زمان ابو بکر

در ابتدا باید گفت که روایات جمع آوری قرآن در زمان ابو بکر با روایات دیگری تعارض دارند :

تعارض داشتن روایات جمع قرآن در زمان ابو بکر با یکدیگر :

بخاری در یک جا روایت می کند که عمر به نزد ابو بکر رفته و به وی گفت :

إِنِّي أَرَى أَنْ تَأْمُرَ بِمَجْمَعِ الْقُرْآنِ ، فَقَالَ لَهُ أَبُو بَكْرٍ : كَيْفَ تَفْعَلُ شَيْئًا لَمْ يَفْعَلْهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) - إِلَى أَنْ قَالَ : - قَالَ

أبو بكر لزيد: «إنك رجل شاب لا نتهمك . . . قال زيد : فتبعت القرآن أجمعه من العسب واللفاف وصدور الرجال».

صحيح البخاری : ج 6 ص 98 و 102 . كتاب الاحكام باب يستحب للكاتب ان يكون امينا عاقلا

چنین به نظر من می رسد که دستور دهی تا قرآن را جمع آوری کنند ؛ پس ابو بکر به او گفت : چگونه کاری را انجام دهیم که رسول خدا (ص) آن را انجام نداده است ؟ ... پس ابو بکر به زيد گفت : تو مرد جوانی هستی که کسی تو را متهم به بدی نمی داند ؛ ... زيد گفت : پس به دنبال تمام قرآن رفته آن را از پوست فرما و سنگ ها نازک و سینه های مردمان جمع آوری نمودم .

و گاهی از انس مخالف این روایت را نقل می کند :

«مات النبي (ص) ولم يجمع القرآن غير أربعة : أبو الدرداء ، ومعاذ بن جبل ، وزيد بن ثابت ، وأبو زيد ، ومن ورثناه» .

صحيح البخاری : ج 6 ص 98 و 102 . كتاب فضائل القرآن :باب القراء من أصحاب النبي صلى الله عليه وآله وسلم

رسول خدا از دنیا رفت در مالیکه هیچ کس از صحابه غیر از چهار نفر تمام قرآن را جمع آوری نکرده بودند : ابو درداء معاذ بن جبل و زيد بن ثابت و ابو زيد که ما از وی آن را ارث برده ایم .

چگونه می توان بین این دو روایت جمع کرد؟

ما همان نظر سابق خود را حفظ نموده و می گوئیم که وی قرآن را از اوراق باقی مانده به صورت کامل در زمان رسول خدا جمع آوری نموده است اما آیا زيد و همراهان او قرآن را از اوراقی که در زمان رسول خدا در خانه ایشان جمع آوری شده بود ، بر روی مصحف دیگری منتقل کرده اند ؟ همانطور که " حارث محاسبی " در " فهم السنن " می گوید :

إنما أمر الصديق بنسفها من مكان إلى مكان مجتمعا وكان ذلك بمنزلة أوراق وجدت في بيت رسول الله (ص) فيها القرآن فجمعها جامع .

سیوطی این مطلب را از وی در الإقتان : ج 1 ص 60 نقل نموده است .

ابو بکر دستور داد که قرآن را از جایی به جای دیگر رونویسی نمایند - زیرا آنها به صورت ورقه های پراکنده در خانه رسول خدا بود - پس شفصی تمام آن را در یک جا گرد آورد .

و یا از خانه های صحابه ؟

زیرا عده ای می گویند که وی مصحف ابو بکر را از ورقه هایی که در دست صحابه ای بود که قرآن را جمع آوری کرده بودند گرفت ؛ زیرا از قرآن چند نسخه موجود بود ؛ نویسندگان وحی نسخه ای از آنچه را که نوشته بودند به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می

دادند و حضرت آن را در خانه خویش (و ظاهراً به دست امیر مومنان) نگاه می داشته و خود کاتبان نیز نسخه ای شبیه آن را برای خویش نگاه می داشتند .

رجوع شود ب تاریخ قرآن دکتور رامیار : ص 71

ما این در مقابل این دو احتمال هستیم و فرصت برای بحث در مورد این دو اندک است ؛ لذا تنها روایتی را می آوریم که موید همین احتمال دوم است .

طلحه به امیر مومنان گفته است :

ما أراک یا أبا المسن أبیتنی عما سألتک عنه من القرآن ، ألا تظہرہ للناس ؟ قال : یا طلہمۃ عمدا کففت عن جوابک

فأفبرنی عما کتب عمر وعثمان أقرآن کله أم فیہ ما لیس بقرآن ؟ قال طلہمۃ : بل قرآن کله ، قال : إن أفذتم بما فیہ

نجوم من النار ودفلتم الجنۃ . . الخ .

کتاب سلیم بن قیس : ص 100 .

ای ابا المسن ، پاسخ من را ندادی که آیا قرآن (ی را که جمع آوری کرده ای) را به مردم نشان نمی دهی؟ مضرت

فرمودند : ای طلحه ، من از روی عمد پاسخ تو را ندادم ؛ به من خبر بده که آیا آنچه که عمر و عثمان نوشته اند تمام

آن قرآن است یا در آن چیزی است که از قرآن نباشد ؟ طلحه گفت : نه ، تمامش قرآن است ؛ مضرت فرمودند : اگر به

آنچه در آن است عمل نمودید از آتش نجات یافته و به بهشت وارد می شوید .

زیرا قطعاً قرآن رسول خدا به دست ورثه ایشان یعنی اهل بیت ایشان می افتاد و حتی همسران رسول خدا نیز به آن دسترسی نداشته اند

؛ و اگر چنین نبود ابو بکر دستور رو نویسی از روی همان را می داد ؛ و نیاز به جمع آوری آن از نقاط مختلف نبود ؛ و نسخه که امیر

مومنان تهیه کرده اند نیز از روی همان نسخه رسول خدا بوده است ؛ لذا طلحه چنین رغبتی به دیدن آن داشته است ؛ بنا بر این چنین

می توان گفت که مقصود از روایاتی که دلالت می کنند قرآن در زمان ابوبکر جمع آوری شده است آن است که وی زید را مامور کرد که

قرآن را از روی نسخه های نوشته شده در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که در دست دیگر کاتبان وحی مانند ابی بن کعب و

ابو الدرداء و زید بن ثابت و ... بوده ، رونویسی کرده و همه را به صورت یک مجموعه در آورد ؛ ابو شامه — طبق آنچه سیوطی در الاتقان

از وی نقل کرده است - به همین مطلب اشاره کرده و می گوید :

وکان غرضهم أن لا یکتب إلا من عین ما کتب بین یدی النبی(ص)لا من مجرد المفظ .

الاتقان : ج 1 ص 60 .

مقصود ایشان آن بود که تنها آنچه را در مقابل دیدگان و توجه رسول خدا نوشته شده است بنویسند و نه آنچه

آن را مفظ کرده بودند .

مقصود از جمع قرآن در زمان عمر:

اما اینکه می گویند : اولین کسی که قرآن را در یک مصحف جمع آوری کرد عمر بود :

منتخب كنز العمال هامش مسند أحمد : ج 2 ص 45

این نظر بسیار ضعیف تر از نظر دوم است ؛ و کسی از بزرگان اهل سنت آن را قبول ننموده است و شاید مقصود از آن همان کلام سابق عمر باشد که از صحیح بخاری نقل شد که وی به ابو بکر گفت تا قرآن را به صورت یک مصحف جمع آوری نماید . نه اینکه خود وی و یا در زمان خلافت وی چنین شده باشد .

مقصود از جمع قرآن در زمان عثمان:

اعتقاد به جمع آوری قرآن در زمان عثمان نیز با آنچه از بیشتر روایات به دست می آید منافات دارد ؛ زیرا آنچه در این روایات موجود است ، آن است که عثمان تنها مردم را بر یک قرائت (یک طریق خواندن قرآن) جمع نمود و دلالتی بر جمع آوری خود قرآن ندارد .

عن ابن أبي داود عن سويد بن غفلة قال : قال علي : لا تقولوا في عثمان إلا فيرا ، فوالله ما فعل الذي فعل في المصامف إلا عن ملأ منا ، قال : ما تقولون في هذه القراءة ؟ فقد بلغني أن بعضهم يقول : إن قراءتي فير من قراءتك ، وهذا يكاد يكون كفرا ، قلنا : فما ترى ؟ قال : أرى أن يجمع الناس على مصحف واحد ، فلا تكون فرقة ولا اختلاف ، قلنا : فنعم ما رأيت .

الإتقان : ج 1 ص 61 .

علی گفته است : در مورد عثمان جز به نیکی نگویید ؛ قسم به خدا که کاری که در مورد قرآن ها انجام داد با اطلاع ما بوده است ؛ و سپس گفت : در مورد این قرائت چه می گوئید ؟ به درستی که به من خبر رسیده است که بعضی از شما به دیگری می گوید : قرائت من بهتر از قرائت تو است ؛ و این شبیه کفر می باشد . گفتند : پس نظر شما چیست ؟ پاسخ داد : نظر من است که مردم را بر قرائت از روی یک قرآن وادار کنند تا جدایی و اختلافی نباشد . ما گفتیم : پس چه فوب نظری داشتی .

و موید این مطلب روایتی است که از حارث محاسبی نقل شده است که گفت :

المشهور عن الناس أن جامع القرآن عثمان ، وليس كذلك إنما ممل عثمان الناس على القراءة بوجه واحد على اختيار

بینه و بین من شاهد من المهاجرین و الأنصار لما فشى الفتنة عند اختلاف أهل العراق والشام فى مروف القراءات .

این روایت را سیوطی از او در الإیتقان نقل می کند : ج 1 ص 61 .

مشهور آن است که جمع کننده قرآن عثمان بوده است ؛ و این چنین نیست ؛ و بدرستی که او مردی را به قرائت به یک صورت و ادا سازفت ؛ و این تصمیم را او با حاضرین از مهاجر و انصار انجام داد ؛ زیرا از درگیری - در هنگام اختلاف قرائت اهل عراق و شام در طریقه خواندن - نگران بودند .

عن أنس بن مالك، مَدَّيْنُهُ أَنْ مُذَيْفَةَ بِنَ الْيَمَانِ قَدِمَ عَلَى عُثْمَانَ وَكَانَ يُحَاذِرُ أَهْلَ الشَّامِ فِي فَتْحِ إِزْمِينِيَّةَ وَأَذْرَبِيحَانَ مَعَ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَأَفْرَعَ مُذَيْفَةَ اِخْتِلَافَهُمْ فِي الْقِرَاءَةِ فَقَالَ مُذَيْفَةُ لِعُثْمَانَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَدْرَكَتْ هَذِهِ الْأُمَّةَ قَبْلَ أَنْ يَخْتَلِفُوا فِي الْكِتَابِ اِخْتِلَافَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى فَأَرْسَلَ عُثْمَانَ إِلَى مَفْصَةَ أَنْ أَرْسِلِي إِلَيْنَا بِالْمُصْنَفِ نَنْسُفُهَا فِي الْمَصَافِحِ ثُمَّ نُرُدُّهَا إِلَيْكَ فَأَرْسَلَتْ بِهَا مَفْصَةَ إِلَى عُثْمَانَ فَأَمَرَ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ الرَّزْبِيزِ وَسَعِيدَ بْنَ الْعَاصِ وَعَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ الْمَارِثِ بْنِ هِشَامٍ فَنَسَفُوا فِي الْمَصَافِحِ وَقَالَ عُثْمَانُ لِلرَّهْطِ الْقُرَشِيِّينَ اثَلَاتَةَ إِذَا اِخْتَلَفْتُمْ أَنْتُمْ وَزَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ فِي شَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ فَارْتَبِعُوا بِسَانَ قُرَيْشٍ فَإِنَّمَا نَزَلَ بِسَانِهِمْ فَفَعَلُوا مَعِيَ إِذَا نَسَفُوا الْمُصْنَفَ فِي الْمَصَافِحِ رَدَّ عُثْمَانُ الْمُصْنَفَ إِلَى مَفْصَةَ وَأَرْسَلَ إِلَى كُلِّ أَفْقٍ بِمُصْنَفٍ مِمَّا نَسَفُوا وَأَمَرَ بِمَا سِوَاهُ مِنَ الْقُرْآنِ فِي كُلِّ صَمِيْفَةٍ أَوْ مُصْنَفٍ أَنْ يُحْرَقَ .

صحیح البخاری : ج 6 ص 5038 و رقم 3546 کتاب فضائل القرآن باب جمع القرآن

مذیفه بن یمان به نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده - در مالیکه بر ضد اهل شام در فتح ارمنستان و آذربایجان به همراه اهل عراق - می جنگید . پس مذیفه از اختلاف ایشان در مورد قرائت نگران بود ؛ پس مذیفه به عثمان گفت : ای امیر مومنان ؛ این امت را دریاب قبل از آنکه در مورد کتاب (خدا) مانند اختلاف یهود و نصاری اختلاف کنند ؛ پس عثمان به نزد مفسه فرستاده تا قرآن را به نزد ما بفرست تا از روی آن در قرآن های دیگر نسخه برداریم ؛ سپس آن را به تو باز می گردانیم ؛ پس مفسه قرآن خویش را به نزد عثمان فرستاده پس به زید بن ثابت و عبد الله بن زبیر و سعید بن عاص و عبد الرحمن بن ماریث بن هشام دستور داد تا از روی آن رو نویسی کردند ؛ و عثمان به این گروه سه نفره قریش گفت : اگر شما و زید بن ثابت در چیزی اختلاف کردید آن را به لهجه قریش بنویسید ؛ زیرا قرآن با لهجه ایشان نازل شده است ؛ تا اینکه وقتی قرآن ها را از روی آن رو نویسی کردند آن را به نزد مفسه فرستاده و هرکدام از قرآن ها را به منطقه ای فرستاد و دستور داد تا سایر قرآن ها را بسوزانند .

عسقلانی در شرح این روایت می گوید :

وفی رواية عمارة بن فزیه : أن مذيقة قدم من غزوة فلم يدفل بيته متى أتى عثمان ، فقال : يا أمير المؤمنين أدرك الناس ، قال : وما ذاك ؟ قال : غزوت فرج أرمينية فإذا أهل الشام يقرأون بقرأة أبي ابن كعب فيأتون بما لم يسمع أهل العراق ، وإذا أهل العراق يقرأون بقرأة عبد الله ابن مسعود فيأتون بما لم يسمع أهل الشام ، فيكفر بعضهم بعضا.

فتح الباری : ج 9 ص 14 و 15 .

در روایت عمارة بن فزیه آمده است : مذیفه از جنگی باز گشت پس به خانه خود نرفته و به نزد عثمان رفت ؛

پس گفت : ای امیر مومنان مردم را دریاب ؛ گفت : چه شده است ؟ پاسخ داد دافل ارمنستان جنگ می کردیم ؛ پس عده ای از اهل شام به قرائت ابی بن کعب می خواندند ، پس به روشی قرائت می کردند که اهل عراق نشنیده بودند ؛ و اهل عراق با قرائت عبد الله بن مسعود می خوانند پس به روشی قرائت می کنند که اهل شام نشنیده اند ، پس (به همین سبب) عده ای از ایشان سایرین را تکفیر می کنند .

از این روایات چنین به دست می آید که عثمان تنها مردم را به یک طریق خواندن وادار کرد ؛ پس الفاظ هم معنایی را که ابن مسعود و عده ای دیگر طبق نظر خویش به جای الفاظ قرآن نقل می کردند از بین برده و چیزی از آن ها باقی نماند ؛ و ظاهرا این نظریه (جایگزینی الفاظ قرآن با الفاظ هم معنی) خطرناک ترین چیزی بود که قرآن را تهدید می کرد ؛ زیرا نص کلمات قرآن را با نظریات شخصی افراد در مورد معنی کلمات تغییر می داد . در این زمینه به کتاب ذیل مراجعه فرمایید :

مباحث فی علوم القرآن لصبحی الصالح : ص 107 .

مقصود از جمع آوری قرآن توسط امیر مومنان علی علیه السلام :

مقصود از اینکه می گویند امیر مومنان علی علیه السلام قرآن را جمع آوری نموده است آن است که :

أنه كتبه عما كان عند النبي (ص) ، وأضاف إليه التنزيل والتأويل ، كما في الرواية: ما كان في بيت النبي (ص) فأفذه على (ع) بأمر الرسول ميث قال له : يا علي هذا كتاب الله فذه إليك ، فجمعه على (ع) في ثوب ومضى إلى منزله ، فلما قبض النبي (ص) جلس على فألفه كما أنزل الله ، وكان به عالما .

التمهيد في علوم القرآن : ج 1 ص 291 این روایت را از ابن شهر آشوب نقل می نماید .

او آن را از روی آن چه در نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بود نوشته و شان نزول و معنای آیات را نیز در

آن آورده است ؛ همانطور که در روایت آمده است که : آنچه در خانه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بود ، امیر مومنان به دستور ایشان جمع آوری نموده ، زیرا ایشان به مضرت فرمودند : ای علی کتاب خدا را بگیر ؛ پس علی آن را در لباس خویش گرفته و به منزل خود رفت ؛ وقتی که رسول خدا از دنیا رفتند مضرت نشست و آن را طبق نزول رونویسی نمود و او بدین مطالب آگاهی داشت .

یعنی او در واقع اولین تفسیر کتاب خدا را نگاشت و علاوه بر متن قرآن (طبق ترتیب نزول) هرچه در مورد این آیات بود در آن آورد ؛ زیرا ایشان از سایرین به این مطلب آگاه تر بودند .
همانطور که از کلبی نقل شده است که گفت :

لما توفی رسول الله (ص) قعد علی بن ابی طالب فی بیته فجمعہ علی ترتیب نزولہ ، ولو وجد مصمفہ لکان فیہ علم کبیر .

التمهید فی علوم القرآن : ج 1 ص 290 این مطلب را در التسهیل لعلوم التنزیل از وی نقل نموده است .

وقتی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از دنیا رفتند ، علی بن ابی طالب (علیه السلام) در خانه خود نوشته و قرآن را طبق ترتیب نزول گرد آوری نمود ؛ و اگر این کتاب یافت شود در آن علم فراوانی خواهد بود .

و از محمد بن سیرین نقل شده است که گفت :

ولو أصیب ذلک الکتاب لکان فیہ العلم .

تاریخ الخلفاء للسیوطی : ص 185 .

اگر به این کتاب دست یابیم در آن علم را خواهیم یافت .

و خلاصه کلام آنکه :

منافاتی بین قول به اینکه قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جمع آوری شده است با اینکه امیر مومنان و باب علم ایشان آن را گرد آوری کرده است و در آن مهمترین نکات و ظرایف تفسیری را آورده است نمی باشد .

البته علت اینکه حضرت قرآن را طبق ترتیب نزول در کتاب خویش آوردند آن است که بدین ترتیب ناسخ و منسوخ و مطلق و مقید آن به خوبی مشخص می گردید .

نتیجه و پایان بحث :

وجه جمع بین تمامی روایات آن است که بگویند: قرآنی که در دست ماست در همان زمان رسول خدا و به دست صحابه در مقابل دیدگان ایشان بر روی کاغذها گردآوری شده است و بدین گونه نبوده است که عده ای بعد از رحلت رسول گرامی اسلام آن را از سینه های مهاجر و انصار جمع آوری نمایند؛ و بعد از رحلت رسول خدا چون قرآن ایشان در دست امیر مومنان بود و لذا ابو بکر نمی توانست آن را به چنگ آورد، لذا دستور داد تا قرآن را از روی مصحف های سایر نویسندگان وحی (که در زمان رسول خدا آن ها را جمع آوری نموده و به رسول خدا نشان داده بودند) رونویسی کرده به صورت یک کتاب در آورند؛ زیرا تا آن موقع، قرآن با وجود کامل بودن به صورت ورقه های جدا جدا بود و همه ورقه ها را در یک پارچه جمع آوری می نمودند؛ اما وی دستور داد تا آن را به صورت یک کتاب در آورند؛ و نیز در مورد جمع قرآن در زمان عثمان باید گفت که مقصود آن است که وی دستور داد تا تمامی مردم قرآن را به یک ترتیب و یک لهجه بخوانند.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)